

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفولانزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه‌رو کند.

در پایگاه اطلاع‌رسانی جمعیت هلال احمر بخوانید  
**۴۰ گزارش**  
**۴۰ دستاورد**

فرارسیدن چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، فرصت مناسبی برای مرور دستاوردها و موفقیت‌های کشور در حوزه‌های مختلف است. پایگاه اطلاع‌رسانی جمعیت هلال احمر نیز با توجه به این ضرورت تادیه فجر با انتشار ۴۰ گزارش به صورت روزانه، مجموعه‌ای از این موفقیت‌ها و دستاوردها در حوزه‌های کاری جمعیت هلال احمر منتشر می‌کند.

**نگاه**

**خوشا به حال هلال احمری‌ها**



«حاج‌غلامرضا گنج آبادی» مرد با سابقه و قدیمی جمعیت است که ۳۴ سال سابقه فعالیت امدادی دارد. کسی که این روزها با کوله‌باری از تجربه، دوران بازنشستگی خود را سپری می‌کند. «شهروند» ۲۰ اردیبهشت سال ۹۵ به بهانه روز جهانی صلیب سرخ و هلال احمر، گفت‌وگوی صمیمانه‌ای با این امدادگر قدیمی داشت. آن چه در ادامه می‌آید سه خاطره از زبان این هلال احمری قدیمی است که در این گفت‌وگو مطرح شده است.

**برداشت اول: انفجار دفتر نخست‌وزیری**

دو بار در سال‌های ۶۰ و ۶۱ به حج واجب مشرف شدم. به دوران جنگ مربوط می‌شود. در آن زمان کاروان حج از راه زمینی از مسیر ترکیه سپس سوریه و اردن وارد مکه مکرمه می‌شد. گروه را که حرکت دادیم، زمانی که از خیابان مصطفی خمینی عبور کردیم، انفجار دفتر نخست‌وزیری رخ داد. من بلافاصله گروه را به عوارضی رساندم و رنگ زدم به دکتر فیروزآبادی (رئیس هلال احمر وقت) و شرح ماوقع کردم. عنوان کردم که «ظاهراً در دفتر نخست‌وزیری اتفاقی افتاده است؛ شما چه دستوری می‌فرمایید؟» ایشان هم در جواب گفتند: «چون ما در جمعیت هلال احمر متعهد به ارائه خدمات به حجاج هستیم، شما می‌بایست به سفر خود ادامه دهید.» من بدون این که گروه را نگران کنم کاروان را به سمت مرز حرکت دادم. در مرز هم چند نفر از اعضا و سربازان جبهه در کاروان حضور داشتند که خدمتشان به پایان نرسیده بود و همین موضوع باعث شد تا با مشکل روبه‌رو شویم، افسر نگهبان مرزبانی مانع خروج کاروان شده بود. خدارحمت کند آیت‌الله مهدوی کنی را در آن دوران نخست‌وزیر موقت بودند. من با ایشان تماس گرفتم و شرح کاملی از ماجرای اتفاقی افتاده را برایشان تعریف کردم، ایشان هم بلافاصله مستقیماً دستور دادند تا گروه را حرکت دادیم و ۶ روز بعد هم به مکه مکرمه رسیدیم.

**برداشت دوم: دارویی به نام بومادران**

در شروع جنگ دو فعالیت امدادی را تجربه کردم، یکی موضوع قرص نمک بود که در جبهه‌ها کم شده بود؛ ما برای ساخت چنین قرصی نیاز به نمک گرانول شده داشتیم که آن دوران در کشور تولید نمی‌شد. در مشهد کسی را پیدا کرده بودم که مقداری زیاد از این نمک را احتکار کرده بود، بعد از ماجراهایی این محموله را دریافت کردیم و در اختیار دانشگاه داروسازی مشهد قرار دادیم و در نهایت با کمک دکتر امین زاده به قرص نمک تبدیل شد. موضوع دیگر، گیاه خاصی به نام «بومادران» بود که در مشهدمداران برای کودکان نوزاد استفاده می‌کردند. این گیاه مانع حضور حشرات مثل مگس در اطراف کودک می‌شد. ما از این گیاه گرمی را تولید کرده و آماده بودیم که محموله را برای جبهه ببریم که دکتر فیروزآبادی که از طرف شهیدر جای برای ریاست جمعیت هلال احمر دعوت شده بود، از ما برای حضور در این مجموعه دعوت کرد. ایشان با دکتر هاشمی (وزیر بهداشت فعلی) که در آن دوره در جهاد مشهد فعال بود تماس گرفته و گفته بودند: «فلانی بیاید تهران.» و همین موضوع هم شروع فعالیت من در جمعیت هلال احمر شد.

**برداشت سوم: خوشا به حال ما هلال احمری‌ها**

در سال ۶۱ دوزلزله به فاصله ۴۰ روز در کلباف، کرمان را لرزاند بود. دکتر از من تقاضا کرد تا برای بررسی و ارزیابی به محل وقوع زمین‌لرزه بروم، چون من قبل از انقلاب هم در دوران دانشجویی در چند زلزله به همراه مقام معظم رهبری و شهید هاشمی نژاد حضور داشتم. آن دوران به عنوان نیروهای مردمی در این حوادث حضور داشتیم. دکتر فیروزآبادی هم نسبت به من و فعالیت‌هایم شناخت کامل داشت. ایشان به من دستور دادند تا به انبار پشتیبانی در شهرری بروم و از آن جا بعد از مشاهده وضع و عملکرد به کلباف کرمان بروم؛ من نیز رفتم و از ترابری بازدید کردم که در حین بازدید آقایان می‌آمدند و به من تبریک می‌گفتند. دکتر ابلاغ ریاست را برای ما زده بود. با متوجه شدم، بلافاصله برگشتم و اعتراض کردم، اما دیگر هلال احمری شده بودم. من اعتقادم این است کسی که یک کار خوبی کرده یا این که به هر حال خداوند به نوعی به این انسان لطف و عنایت کرده است، کاری می‌کند که قوت و رزق خود را از هلال احمر به دست آورد، باید گفت: «خوشا به حال ما هلال احمری‌ها.» همای سعادت بر شانه‌های ما هلال احمری‌هاست.



مروری بر عملکرد جمعیت هلال احمر در چهار دهه انقلاب  
**چهل سال خدمت داوطلبانه**

نظر می‌خواست که آنها را تحت در مان قرار دهد که البته آن چه از گزارشات و خاطرات اسرایی می‌آید، بودند اسرایی که کشور عراق اسامی آنها را اعلام نمی‌کرد و طبیعتاً آنها از لیست صلیب سرخ خارج بودند و کسی نمی‌توانست به وضع آنها رسیدگی کند. کارشکنی عراقی‌ها در ارتباط با صلیب سرخ که یک مرجع جهانی، بشردوستانه و در راستای اهداف مشترک با هلال احمر در چند فاز صورت می‌گرفت؛ از جمله تأمین دارو و رسیدگی به امور مجروحان جنگی و درمان آنها، رسیدگی و پیگیری امور اسرای جنگی، صلیب سرخ در باب درمانی بیشتر به ارسال دارو مبادرت می‌کرد و در خصوص اسرای جنگی، صلیب سرخ به عنوان یک مرجع بی‌طرف در ثبت اسرای جنگی که در کشور عراق به سر می‌بردند و اعلام مشخصات آنها به ایران همکاری می‌کرد و یکی از مهمترین کارهای رسیدگی به وضع اسرای مجروح بود که در مدت اسارت مشکلات جسمی و معلولیت پیدا می‌کردند؛ در این زمان صلیب سرخ با سرکشی به بازداشتگاه‌ها وضع آنها را بررسی می‌کرد و از کشور مورد

احمر همچنین با توجه به تعریف جهانی و مأموریت اصلی صلیب سرخ که کمک و امدادسانی بی‌طرفانه به مجروحان و مصدومان جنگی است، در آن زمان ایران و عراق نیز از این قاعده مستثنی نبودند و طبیعتاً ما با آنها همکاری داشتیم. کمک‌های صلیب سرخ نیز در راستای اهداف مشترک با هلال احمر در چند فاز صورت می‌گرفت؛ از جمله تأمین دارو و رسیدگی به امور مجروحان جنگی و درمان آنها، رسیدگی و پیگیری امور اسرای جنگی، صلیب سرخ در باب درمانی بیشتر به ارسال دارو مبادرت می‌کرد و در خصوص اسرای جنگی، صلیب سرخ به عنوان یک مرجع بی‌طرف در ثبت اسرای جنگی که در کشور عراق به سر می‌بردند و اعلام مشخصات آنها به ایران همکاری می‌کرد و یکی از مهمترین کارهای رسیدگی به وضع اسرای مجروح بود که در مدت اسارت مشکلات جسمی و معلولیت پیدا می‌کردند؛ در این زمان صلیب سرخ با سرکشی به بازداشتگاه‌ها وضع آنها را بررسی می‌کرد و از کشور مورد

**شهروند** | پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تغییرات وسیعی در ساختار، ماهیت و وظایف جمعیت به وجود آمد. نخستین تغییر اساسی ساختار جمعیت پس از انقلاب تفکیک مراکز بهداشتی-درمانی از جمعیت بود. بر اساس مصوبه دولت موقت، در اسفند ۱۳۵۷، کلیه موسسات درمانی و بهداشتی شامل ۲۲۴ بیمارستان، ۱۷۳ درمانگاه مستقل و مرکز اورژانس، ۷۷ اندرزگاه، ۱۵ مرکز مستقل انتقال خون و ۳۰ مرکز آموزش پرستاری، مامایی، بهیاری و پزشکی به همراه چندین پرورشگاه و خانه کودک، از جمعیت منفک و با حفظ مالکیت جمعیت به وزارت بهداشتی و بهیاری وقت انتقال یافت. این مصوبه باعث تغییر سیاست‌های کلی جمعیت و توقف تمامی فعالیت‌های درمانی و حمایتی آن شد. پس از این تغییرات، نخستین اساننامه جمعیت هلال احمر در سال ۱۳۵۹ به تصویب رسید. در اوایل سال ۱۳۵۹ دکتر علی‌بهزادنیای به عهده گرفتن مسئولیت جمعیت، تا حد امکان به بازسازی دوباره ساختار آن پرداخت.

**دهه شصت، دهه انبارگری**

جمعیت حدود یک هزار و ۵۰۰ انبارگر اعم از جانباز، آزاده، همسر شهید و... دارد و در طول جنگ تحمیلی ۴۸۹ شهید امدادگر از سوی خانواده بزرگ جمعیت هلال احمر به انقلاب تقدیم شده است؛ امدادگرانی که حین انجام وظیفه و کمک به زخمی‌گان مورد اصابت گلوله و خمپاره قرار گرفتند و به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. پشتیبانی از جبهه‌ها به کمک مردم انجام می‌شد؛ به طوری که در شهرستان‌های مختلف پس از جمع‌آوری کمک‌های مردمی اعم از پوشاک، خوراک، مواد مصرفی، سوخت و... تفکیک و جداسازی و بسته‌بندی از طریق کامیون‌های هلال احمر به مناطق غرب و جنوب کشور ارسال می‌شد. همچنین هلال احمر بانک‌های خون نیز چه در خود جبهه و چه در پشت جبهه دایر کرده بود تا در زمان لزوم از آنها استفاده شود. جمعیت هلال

**برخی از دستاوردهای جمعیت هلال احمر در طول چهار دهه انقلاب**

توسعه ناوگان امداد هوایی در جمعیت هلال احمر یکی دیگر از نکات شاخصی است که پس از انقلاب رخ داده است و به گفته دبیر کل جمعیت هلال احمر در ابتدا فقط ۳ فروند بالگرد امدادی در این جمعیت وجود داشت که اکنون به نزدیک ۳۰ بالگرد افزایش یافته و با توجه به چشم‌انداز هلال احمر باید هر استان بنا به وسعت یک تا دو پایگاه هوایی داشته باشد.

• سامانه اطلاع‌رسانی امدادی در بدنه جمعیت یکی دیگر از نقاط قوت در سال‌های پس از انقلاب است؛ به محض این که اتفاقی در سراسر کشور رخ دهد، با توجه به سطح و وسعت حادثه با این سامانه همه امدادگران سراسر کشور مطلع شده و حتی نیاز امدادی محلی، ملی یا فراملی توسط این سامانه مشخص می‌شود.

• در حال حاضر طبق آمار، داوطلبان به بیش از ۲ میلیون تن می‌رسند که همگی آموزش‌های اولیه امدادونجات را گذرانده‌اند و از این بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار امدادگر حرفه‌ای که توان انجام عملیات در کوهستان، دریا و حوادث مختلف را دارند، فعالند.

• واردات داروهای بیماران صعب‌العلاج و تجهیزات مورد نیاز در مواقع ضروری و همچنین تولید برخی داروها و عصاره‌های گیاهی دارویی در شرکت‌های زیرمجموعه جمعیت پیشرفت‌هایی است که در چهل سال اخیر به آن دست یافته است.

• پیش از انقلاب تجهیزاتی مانند جادر و بسته‌های امدادی به کشور وارد می‌شد، اما اکنون همه نیازهای این چنینی در نساجی هلال احمر تولید و حتی به برخی کشورها صادر می‌شود.



**چهار دهه؛ چهار زلزله روزهای اضطرار و حادثه**

**زلزله کرمانشاه**

در ۲۱ آبان سال گذشته نیز زلزله‌ای ۶.۳ ریشتری شمال غربی ایران را لرزاند و براساس آمار و خبرهای منتشر شده تعداد جانی‌باختگان این حادثه به ۶۲۰ نفر رسید و ۹۲۸ نفر مصدوم شدند. جمعیت هلال احمر در این حادثه نیز اقدامات اساسی انجام داد. به گفته رئیس جمعیت هلال احمر زلزله کرمانشاه یکی از بزرگترین زلزله‌های ۵۰ سال اخیر ایران بود و در ۷۲ ساعت اولیه ۳۸ تیم واکنش سریع، ۵۳ تیم تخصصی آواربرداری، ۳۱ تیم جست‌وجوی سگ‌های زنده‌یاب در مناطق زلزله‌زده حضور یافتند. امداد هوایی، توزیع اقلام و اسکان اضطراری، توزیع بسته‌های غذایی و جمع‌آوری کمک‌های مردمی از سایر وظایف و خدمات جمعیت هلال احمر در این حادثه بود.



**زلزله بم**

در پنجم دی سال ۸۲ زلزله‌ای به بزرگی ۶.۶ ریشتر شهر بم و مناطق اطراف آن را لرزاند؛ این زلزله طبق آمارهای گفته شده حدود ۳۵ هزار کشته و ۱۴ هزار مجروح بر جای گذاشت. این زلزله خسارت‌های زیاد و جبران‌ناپذیری به دنبال داشت؛ چنانکه قدیمی‌ترین سازه گلی جهان به کلی ویران شد. در پی این زلزله تعداد زیادی از امدادرسانان جمعیت هلال احمر از سراسر نقاط کشور برای امدادسانی به مردم زلزله‌زده اعزام شدند. آنها در روزهای اولیه کار خود را با جست‌وجو و نجات با دستگاه‌های ظرفیت زنده‌یاب و سگ‌های تجسس آغاز کردند. علاوه بر این ۱۵ هزار نفر از آسیب‌دیدگان این حادثه تحت حمایت جمعیت‌های هلال احمر شهرهای اطراف قرار گرفتند.



**زلزله قائن**

بیرجند هم در سال ۱۳۷۶ با شدت ۳.۷ ریشتر لرزید و ۱۵۰۰ نفر کشته بر جای گذاشت؛ اکثر کمک‌رسانی‌ها در روزهای اول توسط خود روستائیان منطقه صورت گرفت و بسیاری از روستائیان آوارگان و بی‌خانمان‌ها را در خانه خود پناه دادند. به تدریج چندین هزار داوطلب برای پیوستن به عملیات جست‌وجوی بازماندگانی که زیر توده‌های آجر و سیمان مدفون شده بودند، رهسپار منطقه شدند. هلال احمر ایران ۹۰۰۰ جادر، بیش از ۱۸۰۰۰ تخته پتو، مواد غذایی کنسرو شده، برنج و خرما را به منطقه فرستاد. دولت وقت ایران نیز بیش از ۸۰ تن مایحتاج را به مشهد که مرکز هماهنگی اقدامات امدادی بوده ارسال کرد.



**زلزله رودبار**

پایان جنگ آغاز حادثه‌ها بود؛ خدمات‌رسانی جمعیت هلال احمر در زلزله رودبار در سال‌های پس از جنگ در زلزله رودبار نمایان شد؛ سی‌ویکمین شب از خرداد بازی برزیل و اسکاتلند در جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا برای برخی مردم ایران در یکی از شهرهای گیلان هیچ‌گاه تمام نشد. ۳۰ دقیقه با امداد بود که زمین زیر پای ساکنان نیمه بیدار شهرستان رودبار لرزید؛ زلزله‌ای به بزرگی ۷/۴ ریشتر که هزاران خانواده را داغدار کرد. این زلزله ۶۰ تانیه‌ای شهرها و روستاها را تا شعاع صد کیلومتری به تلی از خاک تبدیل کرد.

